

معرفی منظومه «یوسف و زلیخا»ی آذر بیگدلی (متوفی قرن دوازدهم هجری) و بررسی
ویژگیهای سبک شناسی آن
(ص ۱۳۷-۱۱۷)

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۶

دکتر محمد حسین کرمی^۱، اکبر رستمی نژاد (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

یوسف و زلیخای آذر بیگدلی مثنوی عاشقانه برگرفته از قرآن کریم است که به پیروی از یوسف و زلیخاهای پیشین، خصوصاً یوسف و زلیخای جامی و با توجه ویژه به خسرو و شیرین نظامی در عصر زندیه سروده شده است. اگرچه این داستان در ابتدا با سوز و گدازی پر شور، ناشی از عشق زمینی و یک طرفه زلیخا به یوسف آغاز میشود؛ اما در نهایت این عشق مجازی تحول یافته و به عشقی فرازمینی و ماورایی ختم میشود. در این مقاله ضمن بیان مختصر مضامین و نکات برجسته یوسف و زلیخای آذر بیگدلی بر اساس شش نسخه خطی بدست آمده از این منظومه، به معرفی مهمترین ویژگیهای سبک شناسی آن در سه سطح فکری، زبانی و ادبی خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: یوسف و زلیخا، آذر بیگدلی، بازگشت ادبی، ویژگیهای سبکی، شعر قرن دوازدهم

^۱ - استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

Mohammadhkarami@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

Yas_shahed3@yahoo.com

مقدمه

ادبیات غنی و پر بار زبان فارسی گنجینه‌ای است ارزشمند که نسخه‌های خطی همچنان بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد. فراوانی نسخ خطی در کتابخانه‌ها که ناشی از استعداد ذاتی ایرانیان در آفرینش فراوان آثار ادبی است، باعث شده است که بسیاری از دست نوشته‌ها یا همچنان به صورت مهجور باقی بمانند و یا به پژوهشی مختصر و نه همه جانبه در مورد آنها بسنده شود.

با آنکه پیش از آذر بیگدلی شاعرانی چون جامی، قمی، ناظم هروی و ... داستان یوسف و زلیخا را به نظم در آورده اند؛ اما سرایش دوباره آن در دوره بازگشت ادبی، آن هم به وسیله یکی از سردمداران این نهضت، نه تنها تکرار مکررات نیست، بلکه مقایسه آن با آثار مشابه، اطلاعات ارزشمندی را به خوانندگان و علاقمندان این حوزه منتقل میکند.

بر همگان آشکار است که مضامین و لغات استفاده شده در سرایش اشعار نشان دهنده اوضاع ادبی در زمان مؤلف و سیر تغییر و تحولات آن نسبت به گذشته، قوت و ضعف شاعر در سرایش با توجه به گرتة برداری وی از آثار مشابه، نحوه انعکاس آداب و عقاید مردمی در ادب فارسی و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه در عصر مؤلف است.

ضرورت تحقیق

در این جستار بر آنیم تا با معرفی منظومه «یوسف و زلیخا» اثر آذر بیگدلی از بعد محتوایی و بررسی مختصات سبکی آن در سطوح فکری، زبانی و ادبی علاوه بر شناساندن ویژگیهای سبک بازگشت ادبی، جایگاه این اثر را در طبقه بندی آثار مشابه فارسی مشخص کنیم.

پیشینه تحقیق:

بر اساس تحقیقات انجام شده، با وجود معروف بودن آذر بیگدلی، تاکنون پژوهشی در خور توجه در مورد یوسف و زلیخای او صورت نگرفته است. تحقیقات انجام شده در این زمینه شامل موارد زیر است:

۱- در مقدمه ای که مرحوم غلامحسین بیگدلی بر کتاب دیوان آذر بیگدلی نوشته است به تصحیح منظومه یوسف و زلیخا به همراه دکتر حسن سادات ناصری از روی نسخه ای منحصر به فرد که ۷۶۰۰ بیت داشته و متعلق به کتابخانه شخصی «منوچهر خان بیگدلی» نوه ششم آذر بیگدلی بوده، اشاره کرده (دیوان آذر بیگدلی، تصحیح غلامحسین بیگدلی و حسن سادات ناصری، ص ۶-۵ مقدمه)؛ اما با جستجوی انجام شده از بازماندگان دکتر سید حسن سادات ناصری و دکتر غلامحسین بیگدلی و نیز تماسی که با انتشارات جاویدان گرفته شد کتاب یاد شده با وجود آنکه آماده چاپ بوده نه در این انتشارات و نه در انتشارات دیگر به چاپ نرسیده و بازماندگان ایشان از سرنوشت این کتاب بی اطلاعند؛

۲- توضیحات مختصر محمد حسین حاجتی در کتاب «منظومه های یوسف و زلیخا در ادب فارسی»؛

۳- تصحیح حدود سه هزار بیت از هفت هزار و چهارصد و هفتاد و پنج بیت این منظومه به وسیله سعید رحمانی با مقابله چهار نسخه به عنوان پایان نامه دانشجویی دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه گیلان؛
۴- مجموعه مقالاتی که به معرفی مختصر آذر بیگدلی و آثار وی در کنار دیگر منظومه های مشابه پرداخته اند:

«اضافاتی بر سلسله مقالات یوسف و زلیخا» نوشته عبدالرسول خیام پور، «سیری در مثنوی های یوسف و زلیخا» نوشته ی احمد نیکو همت، «تحقیقی در قصه های منظوم عشقی و بزمی» ابوطالب میر عابدینی، «مثنوی یوسف و زلیخا» نوشته محمد علی تربیت، «آذر و آتشکده» نوشته محمود مدبری و ...

روش تحقیق

علاقه نگارنده به تصحیح دست نوشته های فارسی خصوصاً آنهایی که در حوزه ادبیات غنایی می‌کنند، باعث شد تا با جستجوی فراوان در میان انبوه نسخ خطی موجود در ایران، منظومه «یوسف و زلیخا» اثر آذر بیگدلی، شاعر و نویسنده نامی و یکی از بنیانگذاران نهضت بازگشت ادبی را برگزیند و با تهیه نسخه های خطی در دسترس از این مجموعه، اقدام به مقابله نسخ به شیوه بینابین و فراهم آوردن متنی نزدیک به نسخه اساس کند. با توجه به درج حدود هزار و پانصد بیت از این منظومه با فاصله اندک از زمان پایان سرایش آن به وسیله مؤلف در کتاب آتشکده آذر، لزوم مقایسه میان ابیات درج شده در این تذکره با دست نوشته های خطی موجود از یوسف و زلیخای آذر بیگدلی نگارنده را بر آن داشت تا تغییرات صورت گرفته در متن این اثر را ضبط و مورد بررسی قرار دهد و در پایان با جمع آوری اطلاعات در مورد دوران زندگی و سبکی که شاعر در سرودن ابیات این منظومه از آن پیروی کرده است به تحلیل مهمترین ویژگیهای سبک شناسی آن پردازد.

معرفی نسخه ها

نسخه های در دسترس از یوسف و زلیخای آذر بیگدلی به قرار زیر است:
نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی (آق) به شماره ۲۸۲۴۶، نسخه انجمن آثار و مفاخر ملی (مفا) به شماره ۸۱۰۶، نسخه مرکز احیا میراث اسلامی (اح) به شماره ۱۲۸۷ و نسخه دانشگاه تهران (ته) به شماره ۷۵۹۲ که شامل برگزیده از این منظومه اند و دو نسخه نسبتاً کامل که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مج) و نیز کتابخانه ملی (مل) به ترتیب به شماره های ۷۵۷۳ و ۲۳۰۹ نگهداری میشوند

سراینده اثر

لطفعلی بیگ شاملو (۱۱۹۵-۱۱۲۴ هـ ق) در بلدة طیمه اصفهان متولد شده است. (آتشکده آذر، بیگدلی: ص ۳۵۳) وی ابتدا «محروم»، «واله» و «نکبت» تخلص میکرد و پس از چندی تخلص «آذر» را برگزید. (مجمع الفصحاح، هدایت، ج ۲: ص ۱۴۰)

آذر بیگدلی در طول دوران زندگی خود با صباحی و هاتف اصفهانی دوستی دیرینه داشت. (تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، تصحیح قاضی طباطبایی) دوستی‌ای که در نهایت زمینه‌های تغییر سبک فارسی را از سبک هندی به سبک بازگشت ادبی فراهم کرد و به همین جهت است که آذر بیگدلی در سرایش شعر بیشتر به شیوه شاعرانی چون نظامی، جامی، انوری، سعدی و ... توجه دارد. وی بخاطر دقت نظری که در سرودن شعر و انتخاب الفاظ دارد؛ چنانکه نظامی گفته است:

به که سخن دیر پسند آوری تا سخن از دست بلند آوری
(مخزن الاسرار نظامی، ب: ۵۱۳)

به «آذر دیرپسند» معروف میشود. (گلچینی از مدایح نبوی، منتظر القائم، ج ۱: ص ۱۵)

آثار آذر بیگدلی:

۱. **آتشکده آذر**: مهمترین اثر آذر بیگدلی «تذکره آتشکده» است که شرح حال مختصر و گلچینی از اشعار ۸۵۰ شاعر پارسی گوی است. در این اثر ارزشمند جز بهره‌های ادبی و شعری، اشارات تاریخی ارزنده‌ای وجود دارد. آتشکده آذر به نام کریم خان زند نوشته شده است. (نقد و بررسی کتاب، عزت پرور، ص: ۷۲)

۲. **گنجینه**: مثنوی است که به تقلید از «بوستان سعدی» در مواظ و حکم سروده شده و هنوز به صورت تصحیح ناشده باقی مانده است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۲۴۵)

۳. **دیوان**: دیوان لطفعلی بیگ شامل ۲۸ قصیده، ۲۰۷ غزل، ۶۳ قطعه، دو ترکیب بند، یک ترجیع بند، یک ساقی نامه و یک معنی نامه است که ظاهراً در زمان تاراج اصفهان توسط علیمردان بختیاری برای مدتی مفقود شده است. (دیوان بیگدلی، بیگدلی: ص ۹۳)

۴. **اشعار پراکنده**: این اشعار شامل ابیاتی است از جنگهای اشعار به شماره بازیابیهای ۵-۱۲۴۳۶، ۵-۱۲۶۹۶، ۵-۱۵۵۳۲، ۵-۱۵۶۹۰، ۵-۱۲۰۶۵، ۹۹۷۰، ۵-۱۵۵، ۲۰۱۵۵ موجود در کتابخانه ملی ایران که همچنان به صورت دست نوشته خطی باقی مانده اند.

۵. **مثنوی یوسف و زلیخا**: «یوسف و زلیخا» مثنوی ست عاشقانه با موضوع عشق سوزان زلیخا به یوسف و مانند «یوسف و زلیخا» ناظم هروی به تقلید از «یوسف و زلیخا» جامی به وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» در بحر «هزج مسدس محذوف» سروده شده است و در بردارنده ۷۴۷۹ بیت است. وی انگیزه سرودن این منظومه را چنین بیان میکند که شبی آشنایان او به ملاقات او آمده اند و گفته اند که:

تو چون از نقد دانش مایه داری جهان از نظم زیر سایه داری
تو در باغ سخن آن عندلیبی که هست از عندلیبانت نصیبی
کنون از تو توانا تر کسی نیست در این فن از تو دانا تر کسی نیست
تو صراً فی محک در دست داری خبر از هر بلند و پست داری
(همان، ابیات: ۵۴۲-۵۴۵)

این ابیات به ظاهر از زبان دوستان آذر نقل میشود؛ اما واضح است که شاعر دست به مفاخره ای زیرکانه زده است و تنها بخاطر گریز از شماتت دیگران چنین گفته هایی را به دوستانش نسبت داده است. نمونه های این ابیات پیش از آغاز داستان باز هم مشاهده میشود؛ تا جایی که شاعر خویش را در مرتبه نظامی و خاقانی قرار میدهد و تلویحاً جایگاهی برتر از فردوسی، انوری، سعدی و عرفی برای خود متصور است:

مرا گفت ای نظامی زمانه تو را بهتر شناسد کس ز ما، نه
گل[از] فردوسی آمد گلشن از تو چراغ انوری شد روشن از تو
سعادت یافت سعدی از تو نامش لبالب گشت عرفی از تو جامش
به جان پرورده این هفت مهدی به ملک نظم، خاقانی عــــــــــــــــهدی
(همان، ابیات: ۵۵۷-۵۶۰)

آذر بیگدلی با طرح گفتگویی میان عارف و زاهد به ستایش عشق و محکوم کردن زهد میپردازد تا زمینه را برای خروج از ابیات آغازین و پرداختن به پیکره اصلی داستان فراهم کند. در همین جاست که شاعر اولین نمونه اقتدا به شیوه جامی را در آمیختن داستان با مسایل عرفانی، آشکار میسازد. بیان حکایت « آمدن مرد خر گم کرده به مجلس شیخ». چنانکه جامی پیش از او آورده است:

خر گم شده را بخواند کای یار اینک خر تو بیار دستار
(لیلی و مجنون، جامی، بیت: ۷۸۹)

و بیگدلی چنین سروده است :

به خر گم کرده عارف داد آواز خبر پرسیدش از انجام و آغاز
بگفت آن خر که میجستی نشانش بود این، ز انجمن بیرون کشانش
(یوسف و زلیخا، آذر بیگدلی، ابیات: ۶۶۴-۶۶۳)

وی پیش از آغاز نظم داستان یوسف و زلیخا در فاصله ابیات ۱ تا ۷۵۶ ابیاتی را در وصف مناجات با خدا و توحید باری تعالی، در شکر نعمت و طلب آمرزش، معراج پیامبر، مدح پیامبر(ص)، مدح حضرت علی(ع)، در آفرینش خاک و دمانیدن نباتات، سبب نظم کتاب، در بیان اوصاف عشق و در درج سخن آورده است. با مقایسه ای ساده میان ابیات آغازین یوسف و زلیخای آذر بیگدلی با آنچه که در ابتدای «خسرو و شیرین» نظامی و یوسف و زلیخای جامی آمده است، روشن است که اگرچه آذر در سرایش مثنوی خویش چشم بر یوسف و زلیخای جامی دارد؛ اما واژه گزینی وی برای سرایش ابیات در جای جای اثر حاکی از ارادت فراوان وی به نظامی است؛ چنانکه در ابتدای مثنوی یوسف و زلیخای آذر بیگدلی آمده است :

خداوندا دری از جود بگشا ره‌ی کو بایدت بنموده، بنما
 از این در سوی خود کش محلم را وز آن ره سوی خود کن منزلم را
 دلی ده کو بُوَد حکمت شناست زبانی کو به جا آرد سپاست
 به رای خود بگردانم ز هر راه بدار از غیر خویشم دست کوتاه
 (یوسف و زلیخا، بیگدلی، ابیات ۱-۴)

و در ابیات آغازین یوسف و زلیخای جامی چنین میخوانیم:

الهی غنچه امّید بگشای گلی از روضه جاوید بنمای
 بخندان از لب آن غنچه باغم وزین گل عطری‌رور کن دماغم
 در این محنت‌سرای بی‌مواسا به نعمت‌های خویشم کن شناسا
 ضمیرم را سپاس، اندیشه گردان زبانه را ستایش، پیشه گردان
 (یوسف و زلیخا، جامی، ابیات: ۱-۴)

و نیز در آغاز سخن از «خسرو و شیرین» نظامی میخوانیم:

خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای
 دلی ده کو یقینت را بشاید زبانی کافرینت را سراید
 مده ناخوب را بر خاطر مراه بدار از ناپسندم دست کوتاه
 درونم را به نور خود برافروز زبانه را ثنای خود درآموز
 (خسرو و شیرین، نظامی، ابیات: ۱-۴)

پس از ابیات آغازین که در واقع جزوی از آستانه پیرنگ مثنوی یوسف و زلیخاست، بدنه اصلی داستان آغاز میشود. بیگدلی با بهره‌گیری از عواملی چون کینه، حسد، گناه، تهمت، دروغ، الهامات غیبی، معجزه، خرق عادت و ... به آفرینش یوسف و زلیخایی تازه میپردازد.

اصلاح شدن برخی ابیات منظومه «یوسف و زلیخا» به وسیله مؤلف:

یکی از نخستین اهداف تصحیح متون فراهم آوردن دست نوشته‌های متعدد چاپی و خطی از یک اثر و مقابله آنها به منظور دستیابی به متنی است که نزدیکترین صورت ممکن به متن نسخه اصلی را داشته باشد. علاوه بر آن مطابقت متن حاصل با بخشهایی از اثر که در متون دیگر نظیر تذکره‌ها، جنگها و دیگر آثار مولف درج شده میتواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات ناشی از بدخوانیها و افتادگیهای موجود در نسخه‌ها شود.

اگرچه اختلاف نسخ اغلب به دلایلی چون گذر زمان، عدم دقت یا تعمد کاتب، تحولات سبکی و زبانی و تغییر رسم الخط صورت میگیرد؛ اما در مواردی، مؤلف مدتی پس از پایان یافتن یک اثر با

جایگزین کردن واژه ای با واژه دیگر و یا تغییر کلی یک مصرع در جهت مرتفع کردن اشکالات ابیات و قوت بخشیدن به بار معنایی و ساختاری آن قلم فرسایی میکند. مطابقت متن حاصل از مقابله دست نوشته های یوسف و زلیخای آذر با گزیده ای از این منظومه که در پرتو دوم آتشکده آذر آمده است حاکی از اعمال تغییراتی در ساختار برخی ابیات به وسیله آذر بیگدلی است که نشان میدهد وی به وجود پاره ای مشکلات مفهومی و دستوری که در اثر گزینش واژه های نامناسب و رجحان صورت بر معنا در متن راه یافته، آگاهی داشته است. آذر بیگدلی با دانشی که برگرفته از کمال یافتن سبک بازگشت ادبی، استمرار در سرودن و نوشتن و تغییر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، کوشیده است تا منظومه او از لحاظ محتوا و صورت چون عشق زلیخا به یوسف به کمال خود برسد. همانطور که پیشتر اشاره شد آذر بیگدلی، خود از بنیانگذاران سبک بازگشت ادبی است و زمانی به نظم منظومه یوسف و زلیخا مبادرت ورزیده که این سبک نخستین سالهای حیات خود را پشت سر می گذاشته است؛ بنابراین طبیعی است که در آن زمان پیروی از سبکی نو پا و تلاش برای به نظم در آوردن منظومه ای بلند با الگویی تقلیدی اما زبانی نوین، میزان بسامد اشتباهات دستوری، وزنی و مفهومی را بالا ببرد. بر همین اساس است که آذر بیگدلی هفده سال پس از به نظم در آمدن این منظومه با تجربه ای که در فاصله این سالها در سرودن به این شیوه بدست آورده است، در صدد اصلاح منظومه خود برمی آید. اصلاحات انجام شده به وسیله او که در اغلب دست نوشته های به جا مانده از «آتشکده آذر» یکسان است، علاوه بر آنکه میتواند گره گشای بسیاری از مشکلات این متن مخصوصاً در هفتصد بیت ابتدایی این منظومه که تنها در یکی از دست نوشته های موجود از این اثر نسخه انجمن مفاخر فرهنگی (مفا) به صورت کامل درج شده است، باشد؛ بلکه شاهدهی قابل استناد است که به قوام یافتن سبک بازگشت ادبی در یک دوره حدوداً بیست ساله و نیز تغییر برخی خلق و خویهای شاعر و تواضع پیشگی بیشتر او اشاره میکند.

نگارنده این سطور با مقابله دو نسخه چاپ افست و خطی از معتبرترین و قدیمی ترین نسخه های موجود از آتشکده آذر بیگدلی با مشخصات ذیل اقدام به ثبت مواردی از ابیات کرده است که پس از تغییر به طرز محسوسی بر قوت آنها افزوده شده است :

- ۱- نسخه متعلق به کتابخانه ملی (م.ا) که چاپ افست آن به وسیله موسسه نشر کتاب با تعلیقات و مقدمه سید جعفر شهیدی در سال ۱۳۳۷ منتشر شده است؛
- ۲- نسخه خطی به شماره شناسایی ۴۶۶۸ ف (م.ص) که در کتابخانه ملی نگهداری میشود و متعلق به سال ۱۲۰۷ ه.ق. است.

مقایسه ابیات منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی با برگزیده ابیاتی که به وسیله او در تذکره آتشکده آمده است، نشان میدهد که آذر بیگدلی با اهداف ذیل اقدام به تغییر در واژه های اثر خود کرده است :

الف. رفع مشکل ضمیر: بیت زیر که در دست نوشته های «مفا»/«لاح» آمده است به این صورت آمده است:

به خاکم ز ابر احسانم نمی بست/ نمی بس گلم را از تو چون آدمی بست/دمی بس
(یوسف و زلیخا، بیت ۸)

مصرع اول از لحاظ معنایی دچار نوعی حشو و ابهام است. و برای توجیه کردن مفهوم آن چاره ای جز معنا کردن ضمیر «م» در واژه «احسانم» به «مرا» نیست. این بیت در نسخه «م.ا» به این شکل نقل شده است:

به خاکم ز ابر احسانت نمی بس گلم را از تو چون آدمی بست
(آتشکده آذر، م.ا، ص ۴۳۴/م.ص، ص ۴۸۰)

ب. بازگشتن از اعتقادات پیشین: شواهد جبری مذهب بودن آذر بیگدلی در منظومه یوسف و زلیخای او به وضوح به چشم میخورد از نمونه های آن میتوان به بیت زیر اشاره کرد:

اگر تلخم، اگر شیرین تو کِشِتی اگر سستم، اگر محکم تو رشتی
(یوسف و زلیخا، بیت ۱۲۳)

به نظر میرسد که آذر بیگدلی با توجه به ابیات زیر با تغییر در ضمیر متصل کلمه «عدل» دچار تحول در اعتقاد پیشین خود شده است:

- به گوش از خواجه انصارم این راز رسیده، بستم از وی پرده راز
ز من جرمی که سر زد ای خداوند محمد(ص) شد غمین، ابلیس خرسند
چه از عدلت، عذاب آید به فریاد دگر ره آن غمین، آن هم شود شاد
(همان، بیت ۱۴۲-۱۴۰)

و در دست نوشته های «م.ص» و «م.ا» آمده است:

- بلی نخل حیاتم کشته توسط رگ دل، تار جانم رشته توسط
اگر تلخم اگر شیرین تو کِشِتی اگر سستم و گر محکم تو رشتی
چو عدلم از عذاب آرد به فریاد دگر ره آن شود غمگین و این شاد
(آتشکده آذر، م.ا، ص ۴۳۳/م.ص، ص ۴۸۰)

آذر بیگدلی با خلاصه کردن ابیات مثنوی یوسف و زلیخا در آتشکده و حذف ماهرانه بیت: «ز من جرمی که سر زد ای خداوند محمد(ص) شد غمین، ابلیس خرسند»

و شکستن ارتباط معنایی آن با بیت «چو عدلت از عذاب آید به فریاد دگر ره آن غمین آن هم شود شاد» و از بین بردن رابطه موقوف المعانی میان دو بیت متوالی، موجب ایجاد تغییر معنایی در مفهوم بیت شده است که حاکی از تجدید نظر او در عقاید جبریش است؛ به طوری که در منظومه یوسف و زلیخا از مصرع اول بیت پایانی که در بالا آمده است، مفهوم: «چون به واسطه عدل تو فریاد عذاب - ا لهی - برخیزد» و از آنچه وی در برگزیده این متن در یوسف و زلیخا آورده است، مفهوم: «چون عدل تو مرا از عذاب وجدان به فریاد آورد» برداشت میشود.

ج. افزودن بر میزان شاعرانگی بیت: در دست نوشته «مفا» از یوسف و زلیخا آمده است:

فلک ز انجم، زمین از چشم مردم در این مسکین چمن، زین سبزه طارم
(یوسف و زلیخا، بیت ۲۲)

و در نسخه های «م.ا» و «م.ص» آمده است:

فلک ز انجم، زمین از چشمه روشن در این نیلی چمن، وین سبزه گلشن
(آتشکده آذر، م.ا، ص ۴۳۳/م.ص، ص ۴۸۰)

د. افزودن بر بار فلسفی و معنایی بیت: در دست نوشته «مفا» از یوسف و زلیخا آمده است:

ز محمودیش احمد نام او کرد شراب محمدمت در جام او کرد
(یوسف و زلیخا، بیت ۱۵۶)

در نسخه های «م.ص»، «م.ا» آمده است:

احد نام خود احمد نام او کرد به او از راز وحدت گفتگو کرد
(آتشکده، م.ا، ص ۴۳۳/م.ص، ص ۴۸۰)

آذر بیگدلی با تغییر در بیت یاد شده، علاوه بر مفهوم نیکو سیرتی که از صفات جاری در ذات خداوندی است و نمودی از آن در ذات حضرت محمد^(ص) به واسطه بخشش الهی جلوه گر شده است؛ به مفهوم وحدت وجود و به تبع آن به مسئله وحدت ذاتی و وحدت عرضی که از مضامین فلسفی-عرفانی است، اشاره کرده است.

بررسی خصوصیات سبک شناسی اثر

منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی ضمن تأثیر پذیری از یوسف و زلیخای جامی و خسرو شیرین نظامی شامل نکات قابل توجهی است که این منظومه را از دیگر آثار مشابهش متمایز میکند. مطالعه یوسف و زلیخاهای به نظم در آمده پیشین به وسیله آذر بیگدلی از طرفی باعث ایجاد برخی مشابهت ها در تصاویر و مضامین خلق شده در این اثر شده و از طرف دیگر بر پختگی متن از لحاظ مضمون افزوده است؛ چنانکه آذر بیگدلی در سرودن این منظومه از میان صدها روایت موجود از این داستان

که تا زمان شاعر در منابع ادبی و مذهبی نقل شده، به گونه ای به چینش سیر داستانی پرداخته است که بیشترین میزان توانایی خود را در بهره جویی از خصوصیات سبک خراسانی و عراقی؛ چنانکه تمایل وی به بازگشت ادبی رهنمونش میسازد، به کار گیرد. اگرچه نو پا بودن سبک بازگشت ادبی در زمان آذر بیگدلی باعث شده است که شاعر در برخی موارد در به کارگیری واژه ها و یا اعمال قوانین دستوری رایج در دو سبک مذکور دچار اشتباه شود؛ اما ویژگیهایی چون تصویر پردازیهایی دقیق، کاربرد خصوصیات سبکی کهن با زبانی جدید، کثرت صفت سازی با انواع پسوندها، استفاده از ردیف و یا لزوم ما لایلزم در قوافی برخی ابیات به منظور تأکید یا افزودن بر صور خیال و در نهایت کاربرد تعابیر عامیانه، رسوم اجتماعی و مضامین تاریخی که در پاره ای موارد متأثر از سبکی است که شاعر از آن روی گردان است، منجر به تقویت سطح مثنوی او از لحاظ فنی در میان آثار سروده شده در دوره بازگشت ادبی شده است.

۱- از نظر زبانی

آذر بیگدلی یکی از شاعرانی است که در عین شاگردی در محضر شاعران نامی پیشین، تلاش کرده است تا با آمیختن تجربیات شخصی زندگی روزمره خود با زبان نوینی که تحت تأثیر اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه زمانش است، به ایجاد سبکی تازه بپردازد. او با مهارتی ستودنی در تلفیق موضوعات، منظومه ای عاشقانه را دست مایه ای برای بیان انتقادات اجتماعی و شکایت از اهل زمانه خود قرار داده است :

سرم خاک ره شاهمی کز آهی	تواند یافت حال دادخواهی
وگر نه شیوه شاهان این دور	نباشد غیر ظلم و فتنه و جور
از ایشان درد، بهبودی ندارد	تظلم گر کنی سودی ندارد
نوای ناله مظلوم دلتنگ	بود در گوش ایشان نغمه چنگ

(ابیات ۶۶۴۱-۶۶۳۹)

تمرکز آذر بیگدلی برای اثبات برتری خود نسبت به دیگر شاعرانی که همزمان با او در شعر فارسی قلم فرسایی کرده اند بر طولانی کردن توصیفات است نه کاربرد لغات و کلماتی که دور از ذهن و مهجور باشد؛ از جمله وصفهای طولانی وی میتوان به اختصاص دادن ۷۱ بیت در وصف اصفهان (ابیات ۴۳۹ تا ۵۱۲)، ۶۱ بیت در وصف سخن (ابیات ۷۵۶-۶۹۵)، ۱۴۱ بیت در وصف وفات یوسف و پریشانی زلیخا (ابیات ۷۱۵۸-۷۰۱۵) و ... در منظومه یوسف و زلیخا اشاره کرد.

تمایل آذر بیگدلی به نشان دادن برتری خود در سایه توصیفات طولانی، بسامد استفاده از واژه های مهجور در منظومه یوسف و زلیخا را به شدت کاهش داده است چنانکه نمونه های اینگونه واژه ها در منظومه یوسف و زلیخا انگشت شمار است :

رخ حربا به سوی آفتاب است سـمندر از غم آتش کباب است
(بیت: ۱۸۸۷)

به لب خون شد چو خوردم آب از طشت زمرّد شیشه شد گوهر خزف گشت
(بیت: ۱۷۲۹)

سابقه مذهبی و بن مایه‌های عرفانی این داستان باعث افزایش کاربرد واژه‌های عربی و جملات تحسین و شگفتی عربی مانند بحمدلله، الله الله، تعالی الله، تبارک الله شده است:

بحمدالله که این شیرین حکایت پذیرفت از بیان من نهایت
(بیت ۷۰۳۲)

تعالی الله خداوند یگانه که بود و هست و باشد جاودانه
(بیت ۱۳)

توصیفات دقیق و طولانی او در بخشهایی چون خواب دیدن زلیخا، شرح درد هجران زلیخا در عشق یوسف و ابیاتی که بیانگر زیبایی باغ و قصری است که زلیخا برای دیدار با یوسف آماده کرده است به کاربرد تشبیهات و استعارات متعددی منجر شده است که یادآور زبان شاعران در اشعار سبک خراسانی است. آذر بیگدلی با الگو گرفتن از فردوسی چنان ماهرانه در صحنه‌های معاشقه یوسف و زلیخا حق به کارگیری ادب در توصیفات را ادا کرده است که از این لحاظ یکی از کم نظیرترینها در میان آثار مشابهنش به حساب می‌آید. همچنین توصیفات وی در ابیات مربوط به تن سپردن یوسف به رود نیل تقلیدی آگاهانه از واژه پردازیهایی «خسرو و شیرین» نظامی در به تصویر کشیدن شستشوی بدن شیرین در دریاچه است.

اشعار او در ابیات پیش از آغاز داستان در مناجات باریتعالی، مدح پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و نیز در مرگ یوسف و زلیخا نشان دهنده توانایی او در مرثیه - سرایی و مدح گویی است که با طولانی کردن ابیات خود در هر بخش سعی در اثبات آن به دیگران داشته است؛ چنانکه مقایسه ابیات سروده شده توسط آذر بیگدلی از لحاظ کمی با دیگر یوسف و زلیخا‌های سروده شده تا پیش از او تأیید دیگری بر این مسئله است.

آذر بیگدلی با کاربرد ردیف، آوردن حاجب و ابیات ذو قافیتین که در نظم مثنوی در دایره لزوم مالایلم می‌گنجد نه تنها بر بار تاکید بر واژه‌ها و خیال انگیز بودن ابیات افزوده است بلکه سطح مثنوی او را از لحاظ ویژگیهای فنی تقویت کرده است:

کند وصف سخن کس جز سخن نه سخن [را] وصف از این به کار من نه
(بیت: ۷۳۰)

خراج مصر و یک گوهر از آن درج متاع شام و یک اختر از آن برج
(بیت: ۳۱۰۸)

کشید آخر ز غیرت زال گردون از ایشان انتقام زال محزون
(بیت: ۳۱۲۹)

که، با آنکه در سیر داستانی منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی بر جنبه زمینی و مادی عشق تأکید بیشتری شده است و در واقع داستان، بیشتر حکایت غم هجران زلیخا است تا اعتقاد یوسف به یک نیروی فوق بشری محیط بر عالم؛ اما اقتدای آذر بیگدلی به جامی در سرودن این اثر باعث شده است تا در ابیات آغازین پیش از شروع داستان علاوه بر ابیاتی که به وصف اوضاع زمانه، انتقاد های اجتماعی و تفاخر به شاعران پیشین آورده است، با گریز هایی کوتاه و گذرا به مسائل عرفانی پرداخته شود؛ اما ضعف او در سرودن مضامین عرفانی موجب شده که تعداد ابیاتی که در توصیف شخصیتها و حالات میان عاشق و معشوق است، بیشتر باشد.

ناپختگی شعر دوره بازگشت ادبی در زمان آذر بیگدلی باعث شده است که شاعر برای گریز از مشکلات وزن و قافیه که در ابیات زیر به آن معترف است:

دلم کو نظم سنجی، پیشه بودش مدام از فکر نظم، اندیشه بودش
ز فکر قافیه، چون قافیه تنگ ز دلتنگی به دلتنگان هم آهنگ
قلم زان تنگنا بیرون کشاندش به پهلوئی من از یاری نشاندش
(ابیات ۷۲۷۵-۷۳۷۲)

مجبور به کاربرد ساخت های دستوری غلط و یا غیر معمول شود:

چو آید پیش من باشد عقابی عقابی ناخنان از خون خضابی
(بیت: ۱۷۴۴)

آن نقش دلاویز را که در خوابش دل از کف برده بود دیدن و بیهوش به خانه برگردیدن
(عنوان پیش از بیت: ۲۹۵۶)

گهی با من شکار دشت کردی گهی با من به صحرا گشت کردی
(بیت: ۲۵۷۸)

آذر بیگدلی تحت تأثیر اقتدای زبانی به شاعران گذشته، دچار نوعی سرگردانی در میان سبکهای ادبی است به طوری که رعایت کاربرد یکسان برخی کلمات تا پایان متن را اصلی الزام آور نمیداند و در پاره ای مواقع دیده میشود که شاعر در بیتی صورت کهن و در بیتی دیگر صورت نوین همان کلمه را به کار برده است. به عنوان مثال واژه «کمر» را در معنای کمربند به کار میبرد:

به تن چون داد زیب از پرنیانش نهان بست آن کمر را در میانش
(یوسف و زلیخا، بیت: ۸۴۹)

حال آنکه در برخی ابیات از واژه «کمربند» هم استفاده کرده است:
کمربندی به میراث از پدر داشت کش از خوبی ز جان هم دوستتر داشت
کمربندی که هر کس بستی او را دل از قید علایق رستی او را
(همان، ابیات: ۸۴۵-۸۴۴)

معایب قافیه

با آنکه قالب انتخاب شده برای سرودن منظومه مناسب است؛ اما ضعف بیگدلی در گسترده نبودن دایره لغات به طور مکرر وی را دچار قافیه اندیشی و نا همگون بودن وزن دو مصرع کرده است. بیگدلی برای حل این مشکل به ناچار به حذف یا اضافه کردن حرفی از کلمات، تغییر در صورت دستوری درست واژه‌ها، اضافه کردن پیشوند به افعال هم معنا برای قافیه کردن دو واژه، استفاده از صورت محاوره کلمات و ... روی آورده است. نمونه هایی از این تغییرات در زیر آمده است:

که از اطراف، باد تند برخاست غبار تیره از هر رهگذر خاست
(بیت: ۲۷۹۸)

ولی هر جا زخم من تازیانه تو فریادی کن ای سرو جوانه
(بیت: ۵۳۳۶)

شما را منع از عصیان ضرور است ز امثال شما این کار دور است
(بیت: ۶۰۴۳)

گذشته از آن نمونه های عیوب قافیه نیز در میان ابیات سروده شده، مشاهده میشود:

۱. اکفا: اختلاف حرف روی

در آن شهرم ز رحمت کرده‌ای جا نه روزم مهر میباید، نه شب ماه
(بیت: ۳۳۶)

۲. سناد: اختلاف ردف اصلی و ردف زاید

عزیز مصر کز وی در هرآسی تو را از وی نباید داشت یأسی
(بیت: ۱۷۷۱)

۳. ایطا خفی: قرار گرفتن اساس قافیه بر پسوندهای یکسان

نه ماه از ماه تابان تیزروتر نه مهر از مهر رخشان تیزروتر
(بیت: ۲۱۷)

۴. اقوا: اختلاف حرکت حدو یا توجیه

پرند ماه را بشکافت انگشت زبان سنگ گويا کرد در خشت
(بیت: ۱۸۷)

بیگدلی همچنین در برخی ابیات به ضرورت وزن مجبور به مخفف یا مشدد کردن کلمات شده است:
 بسا پیلی که چون شد کوکبش پست ز دست پشه لاغر شد از دست
 (بیت: ۷۲۶۹)
 در آمد هفت گاو لاغر از پی به تنشان خشک گشته پوست چون پی
 (بیت: ۵۵۹۷)

ب- سطح لغوی :

استفاده از کلمات و عبارات عربی : در هم آمیختگی زبان فارسی و عربی همواره باعث حضور پر رنگ واژه های عربی در متون فارسی شده است. استفاده از این واژه ها به دلایلی چون نفوذ و سلطه اعراب در ایران، تبدیل زبان علمی کشور به زبان عربی در ادوار خاص تاریخی و نیز آفرینش متنهای مصنوع با هدف تفاخر بعضی شاعران بر بعضی دیگر اتفاق افتاده است. میزان استفاده از لغات عربی در متن مثنوی یوسف و زلیخای آذر بیگدلی فراوان است. اگرچه در برخی مواقع به نظر

شما گر کرده اید این رو سیاهی نعوذ بالله از قهر الهی
 (بیت: ۲۶۱۹)

میرسد که شاعر در استفاده از عبارات عربی دچار زیاده روی شده است؛ با این وجود بیتی که کاملاً به عربی سروده شده باشد، دیده نمیشود. کلمات و واژه های عربی به کار رفته در ابیات بیشتر از نوع عبارات دعایی و یا قسمتی از آیات قرآن است:

جز این از هر سخن بندیم لب به که لَوَّلَا أَنْ رَأَى بَرَهْمَان رَّه
 (بیت ۴۴۸۲)

کاربرد لغات و تعبیرات عامیانه: کاربرد صورت محاوره واژه ها در ابیات سروده شده نسبتاً زیاد است:

۱- سرت گردم : دور سرت بگردم، قربانت شوم

سرت گردم زلیخایی نمانده است تهی ز افسانه اش جایی نمانده است
 (بیت: ۵۲۰۸)

۲- مؤذن سکنه کرده بلکه مرده

دهل زن را ز غفلت خواب برده مؤذن سکنه کرده بلکه مرده
 (بیت: ۱۰۰۵)

۳- وا کردن : باز کردن

ز هم واگرد گیسوی سیه فام فکند از وی به پای ماهیان دام
 (بیت: ۲۹۱۴)

۴- کاربرد «فرخنده شاها» به جای «فرخنده شاهان» و «عالم پناها» به جای «عالم پناهان»
 رعیت پرور عالم پناها خجسته سرور فرخنده شاها
 (بیت: ۳۹۳)

۵- زحمت کشیدن: به رنج افتادن
 مکش زحمت گرت عزم تلافی است که ما را آنچه ما کردیم کافی است
 (بیت: ۶۲۳۷)

➤ ترکیب سازی در منظومه «یوسف و زلیخای» آذر بیگدلی:

آذر بیگدلی با واژه سازی بر کارایی زبان فارسی افزوده و کلمات را به منظور خویش نزدیکتر ساخته است. این واژه سازیها پاسخگوی نیازهای واژگانی شاعر در گستره احساسات اوست. او از یک طرف به سبب استقبال از شاعرانی چون فردوسی انوری، سعدی، خاقانی، حافظ و ... که از استادان واژه سازی و گسترش دایره لغات فارسیند و از طرف دیگر به سبب تاریخ نگاری و لزوم مطالعه آثار آنان و ذکر گزیده ای از آن در آتشکده آذر، دو ابزار بسیار مهم برای گرایش یافتن به شیوه آنان برای آفرینش ترکیبات جدید داشته است. در زیر به نمونه هایی از این واژه سازیها در منظومه وی اشاره شده است:

ز وسمه ساخت آن شمع شب افروز کمان ابروان خود سیه تـوز
 (بیت ۴۲۲۷)

که از زلف او به پا زنجیر دارد ز کاکل طوق گردن گیر دارد
 (بیت ۵۰۶۴)

انیسش کیست از زندان نشینان؟ جلیسش کیست از محنت قرینان؟
 (بیت ۵۲۷۵)

تعالی الله چه خوش طالع رسن بود همانا از کلاف پره زن بود
 (بیت ۵۳۲۹)

ندید از حرف دایه چاره جز صبر ز مژگان در فشان شد چون رگ ابر
 (بیت ۵۳۹۸)

ب- سطح ادبی: مثنوی یوسف و زلیخای آذر بیگدلی با وجود ساده بودن نوع بیان، مملو از آرایه های ادبی است به طوری که به جرأت میتوان گفت کمتر بیتی است که خالی از آرایه های ادبی باشد. سابقه مذهبی داستان یوسف و زلیخا و نیز بعد غنایی این داستان به مراتب میزان استفاده

از تلمیحات مذهبی و اشاره به داستانهای حماسی و اسطوره ای را افزایش داده است. اگرچه زبان شعری آذر بیگدلی با زبان شاعران کهن متفاوت است؛ اما استعارات، تشبیهات، کنایات، مجازها و دیگر آرایه های ادبی به کار برده شده برای زیباسازی ابیات در اکثر موارد با الگو برداری مستقیم یا غیر مستقیم از شاعران پیشین است. شاعر در این منظومه به پیروی از سنت ادبی گذشته، به کرات قامت معشوق را به سرو، چانه را به سیب، چشم را به نرگس و گیسو را به سنبل تشبیه کرده است و تعداد تصویر سازیهایی که ساخته ذهن شاعر باشد، انگشت شمار است. از نمونه های تشبیهات نوین آذر بیگدلی میتوان به موارد زیر اشاره کرد :

چو جغدانِ نهان در پرّ طاووس پدر را کرده آهنگ زمین بوس
(بیت: ۲۲۵۶)

چو دوزخ روشن از ا خگر سوادش تنوری پر ز آتش گردبادش
(بیت: ۲۲۱۶)

جزئی نگری آذر بیگدلی علاوه بر آن که به توصیفات طولانی از صحنه های عاشقانه و فضایی که داستان در آن در حال وقوع است، منتهی شده است، به ضبط دقیق حرکات و سکنات دیگر شخصیت‌های حاضر در داستان در خلال آرایه تمثیل منجر شده است:

گریزان است دایم دایه از وی چو مهری کو گر یزد سایه از وی
(بیت: ۵۱۹۹)

روان شد از پیش فرزانه دایه بدان سان کز پی خورشید سایه
(بیت: ۴۷۱۴)

همچنین آذر بیگدلی برای اثر گذاری بیشتر بر روی خواننده و نیز پنهان کردن مخاطب اصلی سخنانش با بهره گیری از آرایه «تجرید» در چندین مورد در بیان پند و طعنه، زیرکانه خود را خطاب قرار داده است :

به این مجلس بسی این آمد و رفت	بسی سردر سر این گفته گورفت
کسی واقف نشد آذر از این راز	کسی نشنید آوازی از این ساز
کسی کشتی در این دریا نیفکند	که موجش تخته در صحرای نیفکند
کسی راه در این صحرای نیفتاد	که هم اول قدم از پای نیفتاد
مکن در کار چرخ، اندیشه بسیار	که ره سنگ است و داری شیشه در بار
بکش زین راه تنگ این لاشه لنگ	ولی زان پیش کاید شیشه بر سنگ

(ابیات: ۴۲۳-۴۱۸)

کاربرد فنون بیانی در هزار بیت نخست منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی :

آذر بیگدلی با استفاده از آرایه های مجاز، کنایه، استعاره و تشبیه که در حوزه علم بیان می‌گنجد؛ چون دیگر شاعران پارسی زبان با شکستن قراردادهای متعارف زبانی بر میزان شاعرانگی ابیات افزوده و به وفور واژه ها را در معنای غیر اصلی به کار برده است.

بررسی هزار بیت نخست منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی گویای آن است که از انواع مختلف تشبیه، میزان کاربرد تشبیه مجمل مؤکد (اضافه تشبیهی) که همان تشبیه بلیغ و عالی ترین صورت تشبیه است با ۱۸۱ مورد کاربرد (جام زندگی، زنجیر غفلت، جام حسرت، سمور شب، قنادیل کواکب، لعل می، سرسر مرگ و ...) نسبت به سایر انواع تشبیه به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. این میزان کاربرد اضافه تشبیهی نشان میدهد که آذر بیگدلی با الگو برداری از شاعرانی چون حافظ و سعدی، سعی در نزدیک کردن سبک شعری خویش به شاعران سبک عراقی دارد؛» چرا که این نوع تشبیه خصوصاً اگر به صورت غیر اضافه به کار رود اغراق در آن به اوج میرسد، زیرا در کلام ادعای همسان بودن قویتر از ادعای شبیه بودن است. «(بیان و معانی، سیروس شمیسا، ۱۳۷۹: ص ۴۶) در عین حال بالا بودن تعداد تشبیهات (۲۵۶ مورد) نسبت به تعداد استعارات (۱۴۳ مورد) نشان دهنده آن است که در عین حال سعی در حفظ سادگی کلام خویش داشته و در تصویر سازها بیشتر پیرو شیوه سهل ممتنع سعدی است. از نمونه های این تشبیه میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

انواع دیگر تشبیه که آذر بیگدلی در این مثنوی به کار برده است، شامل ۴۳ مورد تشبیه مجمل مرسل، مانند:

چو یوسف رفت از تن جان پاکش چو گنج، آرامگه گردید خاکش
(بیت: ۶۹۷۸)

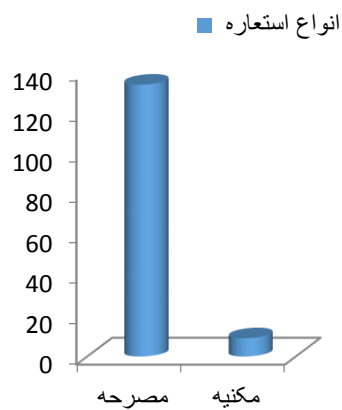
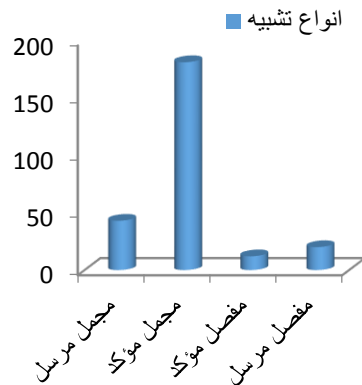
بیست مورد تشبیه مفصل مرسل، مانند:

نهاده رو سوی منزل ز وادی چو شمع حجله اشکافشان ز شادی
(بیت: ۲۵۱۴)

چو غنچه بی تو دل خون است ما را تو را گل زیر گل چون است ما را
(بیت: ۷۰۵۴)

دوازده مورد مفصل مؤکد مانند:

تو کز رخ، لاله گلرنگ داری چو خود را زیر گل دلتنگ داری
(بیت: ۷۰۵۵)

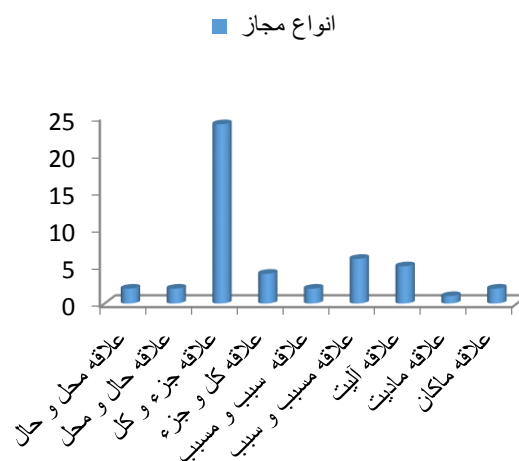
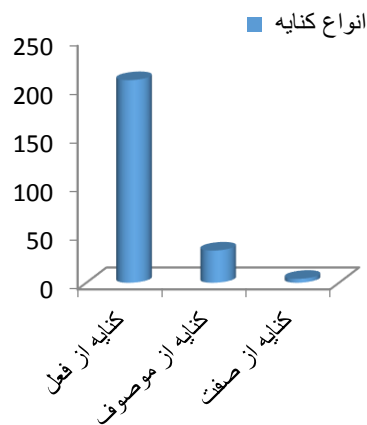


همانطور که در نمودار تهیه شده از میزان کاربرد استعاره در ابیات آغازین منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی آمده است، ترجیح ناظم این اثر از میان انواع استعاره، بر کاربرد استعاره مصرحه است. اگرچه در این حالت حدس زدن لفظ مشابه دیریابتر از حالتی است که شاعر به حذف مشابه به (استعاره مکنیه) اقدام میکند؛ اما صورتهای استعاری مورد استفاده در منظومه مذکور از موارد معروفی است که چندان نیاز به تأمل ندارد. در هزار بیت نخست این منظومه در مجموع آراسته به ۱۳۴ استعاره مصرحه است؛ مانند:

چرا از نرگست بر لاله، ژاله فرومیریزد ای مشکین کلاله
(بیت: ۳۶۶۹)

و نه مورد استعاره مکنیه به کار رفته است، مانند:

مرا دست محبت کرده چون صید ندارم حاجت این بند و این قید
(بیت: ۱۳۳۷)



بیشترین سهم از کاربرد فنون بیانی پس از تشبیه در این اثر متعلق به کاربرد کنایه است. آذر بیگدلی با کاربرد چهار مورد کنایه از صفت (تردماغ، لب گزان، انگشت خایان، روسیاه)، ۳۳ مورد کنایه از موصوف (اختر نحس، اختر سعد، لعبت باز گردون، برافرازنده، شجاع ارغون تن و باغ کهن گردون و ...) و ۲۰۸ مورد کنایه از فعل یا مصدر (پرده چاک شدن، دامن کشیدن، بازوی فهم شکستن، کمر بستن، از کف آب دریا را پیمودن، از پا به ثریا شدن و ...) سعی داشته تا جای ممکن زبان شعری خود را به زبان مردم نزدیک کند.

همچنین آذر بیگدلی با به کار بردن مجاز در ابیات بر تأثیر کلام خود افزوده است و ماهرانه احساساتی که در کلام نمیگنجد را در قالب آرایه مجاز ذکر کرده است. در صد کاربرد انواع مختلف مجاز، جز مجاز به علاقه جزء و کل با ۲۴ مورد کاربرد (کف در معنای دست، سر در معنای کل بدن، کشور به معنی شهر، چمن به معنی باغ، مژه در معنی چشم، طلب در معنی کل وادی های عشق،

نعل در معنی پا، شرق و غرب در معنی کل جهان و ... در دیگر انواع تفاوت چندانی ندارد. مجاز به علاقه های محل و حال ۲ مورد (نافه به معنی مشک، جهان به معنی مردم)، حال و محل ۲ مورد (سبوح و قدوس به معنی محل حضور خداوند و ملایک)، کل و جزء ۴ مورد (آب به معنی یک قطره آب، کشور به معنی شهر)، سبب و مسبب ۲ مورد (حکم به معنی قدرت، حدی به معنی آواز)، مسبب و سبب ۶ مورد (حشر به معنی قیامت)، آلیت ۵ مورد (سرپنجه و دست به معنی قدرت، پرگار در معنی حلقه، معراج به معنی عروج کردن، صاحب کلاه به معنی صاحب مقام)، مادیت ۱ مورد (سریر به معنی تخت) و ماکان ۴ مورد (خاک به معنی انسان، خاک به معنی جسم، گل به معنی انسان، آب به معنی اشک) است.

نتیجه

آذر بیگدلی از شاعران دوره بازگشت ادبی است که منظومه یوسف و زلیخای خود را به تقلید از یوسف و زلیخای جامی و با الگو قرار دادن دیگر یوسف و زلیخاهای سروده شده پیش از آن به نظم در آورده است. وی در چینش وقایع داستانی و درج داستانهای فرعی متأثر از قرآن است. هر چند بیگدلی در سرودن این منظومه از پیشاهنگان محسوب نمیشود؛ اما منظومه او از حیث پردازش داستان و میزان کاربرد آرایه های ادبی در میان آثار غنایی فارسی در خور توجه است. وی در پیروی از جامی خصوصاً در انتقال مفاهیم تعلیمی، گریزهای داستانی و تلفیق مضامین متنوع در خلال داستانی عاشقانه موفق عمل کرده است. اگرچه در تصویر سازیهای او کمتر با منظره ای نو روبرو میشویم؛ اما زبان او در بیان این توصیفات بسیار دلنشین و ساده است. ذکر جزئیات دقیق صحنه ها اگرچه در برخی مواقع به درازا کشیده شده است، کمتر سبب ملال خاطر خواننده میشود. روحیه مداحی آذر بیگدلی بر سوز و گداز ابیات افزوده است.

اگرچه آذر بیگدلی از لحاظ سبکی پیرو اشعار کلاسیک سبک خراسانی و عراقی است؛ اما عواملی چون نو پا بودن این سبک در زمان سرایش منظومه یوسف و زلیخا، در دسترس نبودن متون کهن گذشته در زمان شاعر و عدم آشنایی کامل او با خصوصیات سبکی و ساختهای دستوری دو سبک عراقی و خراسانی و نیز گسترده نبودن دایره لغات شاعر، در پاره ای موارد منجر به قافیه اندیشی، درج ساختهای غلط دستوری و ضعف در چینش واژه ها در ابیات شده است.

فهرست

الف) کتابها

قرآن کریم.

آتشکده آذر، بیگدلی، لطفعلی بیگ، (۱۳۳۷)، به اهتمام سید جعفر شهیدی، چاپ افست، موسسه نشر

کتاب، تهران

تذکره آتشکده آذر، بیگدلی، لطفعلی بیگ، (۱۳۳۷)، با تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات نصری، ج

۱. امیر کبیر، تهران.

دیوان حافظ شیرازی، شیرازی، شمس الدین محمد، (۱۳۸۴)، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چ ۳۸، انتشارات صفی علیشاه، تهران.

دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، بیگدلی، لطفعلی بیگ، (۱۳۷۷)، به کوشش سادات ناصری و پرفسور غلامحسین بیگدلی، چ ۱، انتشارات جاویدان، تهران.

دیوان وحشی بافقی، وحشی بافقی، شمس الدین محمد، (۱۳۵۳)، به کوشش احمد رنجبر، چ ۱، امیرکبیر، تهران.

الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۵۵)، ج ۱۰، اسلامیه، تهران.

_____ آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۵۳)، ج ۳، اسلامیه، تهران.

سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، چ ۹، انتشارات فردوس، تهران.

سخنوران آذربایجان، دولت آبادی، عزیز، (۱۳۷۷)، ج ۱، ستوده، تبریز.

طرز تازه (سبک شناسی غزل سبک هندی)، حسن پور آلاشتی، حسین، (۱۳۸۴)، سخن، تهران.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، (۱۳۸۱)، چ ۲۰، نشر هما، تهران.

گلچینی از مادیح نبوی، منتظر القائم، اصغر، (۱۳۸۵)، ج ۱، دانشگاه اصفهان، اصفهان

گنجینه، بیگدلی، لطفعلی بیگ، نسخه خطی، شماره بازیابی ۸۵۸۱۰، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مجمع الفصحا، هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، (۱۳۸۲)، تصحیح: مظاهر مصفا، جلد دو، امیرکبیر، تهران.

مخزن الاسرار نظامی، تصحیح سعید حمیدیان، (۱۳۸۶)، چ ۳، قطره، تهران.

مصنفات شیعه، ترجمه و تلخیص، آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، به اهتمام محمد آصف فکرت، (۱۳۷۲)، ج ۳، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.

معانی و بیان، شمیسا، سیروس، چ ۶، انتشارات فردوس، تهران.

نگارستان دارا، دنلی، عبدالرزاق، (۱۳۴۲)، به کوشش خیام پور، بی نام.

یوسف و زلیخا از هفت اورنگ جامی، (۱۳۷۷)، به کوشش نادر وزین پور، چ ۳، امیرکبیر، تهران.

مجبتی، مهدی، از معنا تا صورت، (۱۳۹۰)، چ ۲، انتشارات سخن، تهران.

ب) مقالات

آذر و آتشکده، مدبری، محمود، (۱۳۸۷)، جهان کتاب، سال پنجم، ش ۹۷ و ۹۸، صص ۳۲-۷۱.

نقد و بررسی کتاب، عزتی پرور، احمد، (۱۳۷۹)، مجله سخن عشق، شماره ۶، صص ۶۶-۷۶.

واژه های فریبکار در فارسی خاورانی، منصوری، احمد، (۱۳۸۶)، فصلنامه پازند، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۹-۳۲.

واژه های فریبکار، سمیعی احمد (۱۳۷۶)، ترجمه: حکیمه دسترنجی، نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره یادزده، صص ۱۳۱-۱۴۷.

یوسف و زلیخا، خیام پور، عبدالرسول (۱۳۳۸)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۴۸، صص ۶۸-۳۹.